

# مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران

( قسمت دوم )

نوشته: دکتر رضا آبرملو

## ( علل و انواع آن )

در نشریه شماره ۸ آموزش جغرافیا قسمت اول مقاله " مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران " را مطالعه نمودید و اکنون قسمت آخر این مقاله از نظرتان می‌گذرد.

### مهاجرت به علل رکودی

وقتی از جامعه سنتی<sup>۱</sup> نام می‌بریم، دو موضوع تداعی می‌شود، اول آنکه آخرین پایگاه آن، جوامع روستایی‌اند و در جریان نوسازی اجتماعی، آخرین عناصر سنتی بیش از شهرها در روستاها دوام می‌آورند. دوم آنکه، جامعه سنتی در هر مرحله از دوره تکامل خود، دارای ویژگی‌هایی است که مجموعه آنها منجر به تشکیل یک ساخت<sup>۲</sup> معین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. حال اگر در مرحله‌ای از زمان، این ساخت بشکند و با تعدادی از عناصر آن تغییر کند، از نظر تغییرات جمعیتی و نهایتاً مهاجرت، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

قبلاً<sup>۳</sup> بهینیم که بدون این تغییرات اساسی، در روند تحولات کند و بطئی این جوامع، از نظر تغییر مکان انسان و مهاجرت از روستاها، چه شکل و شیوه‌ای حاکم بوده است. در این جوامع، خانواده ( غالب گسترده<sup>۴</sup> ) بجای فرد، واحد اشتغال، تولید و

مصرف است. امکانات تولیدی محدود و ابزار ساده است و تغییرات اساسی در شیوه و سیستم تولید روستایی ممکن نیست. تاءسیمات زیربنایی نارسا است، منابع طبیعی مانند زمین و آب قابل گسترش نیست و مالکیت روستاییان بر آنها مشروط و بیشتر اراضی و منابع طبیعی در تسلط زمین‌داران غیر کشاورز و عموماً غیر ساکن در روستا است و در نتیجه، بخشی از محصولات اندک روستا در این رابطه به طور مرتب به خارج از آن جریان می‌یابد.

فقر و نداری، گرسنگی آشکار و پنهان، سختی معیشت و شیوع امراض همه‌گیر از مظاهر این دوره است. در نزدیک‌ترین زمان به ما<sup>۴</sup>، در روستاهای ایران، قشر بسیار کوچکی دهقان ثروتمند و مرفه وجود داشت. در مقابل این قشر، نیمی از دهقانان بودند که زندگی بخور و نمیر داشتند و نیم دیگر ساکنان روستا را دهقانان فقیر - نیمه دهقان، نیمه کارگر - و یا کارگران کشاورزی تشکیل می‌دادند. در این دوره، شهرها روستا دارای ارتباطاتی محدود است که در یک سوی آن، صدور تولیدات محدود شهری و حمایت‌های انتظامی و مالی - بخصوص در مواقعی که تنظیم روابط بین انسان و طبیعت، یا مشکلات جدی روبه‌روست - و ارائه خدمات مشابه و در سوی دیگر آن، انباشت بهره و مالیات و بخشش روستایی در شهر، تنها نقاط ارتباطی و اتصالی بین آنهاست و داشته‌های دیگر مادی و معنوی روستا نیز درخور چگونگی این دو رابطه انسان کشاورز و روستایی با طبیعت و جامعه شهری است.

در چنین شرایطی، چند شکل در رابطه بین ساخت اجتماع روستایی و به ویژه خانواده، با امکانات تولیدی ( زمین و آب، شکل مالکیت و بهره‌دهی، ابزار و شیوه‌های تولید) وجود دارد. در شکل اول، جمعیت خانواده نسبت به این امکانات قلیل است و در نتیجه - در صورت کفایت هسته‌های تولیدی - قسمتی از طبیعت آرزوی و بخشاینده بلا استفاده رها می‌شود و محصول کار نهاد‌های تعاونی سنتی، بیش از مصرف اندک و معیشتی آنها است، به طوری که در برخی از سالها امکان دست‌یابی به مازاد محصول فراهم می‌آید و به تبع آن خانواده‌ها به رفاه نسبی و خودکفائی معیشتی ارضا کننده نائل می‌شوند. چنین موفقیتها، به علت عدم دسترسی به ابزار و شیوه‌هایی که بتوانند طبیعت را کنترل کنند و یا تغییر دهند، موقتی و گذرا است. حداقل آنکه در صورت تداوم این وضع مطلوب، افزایش جمعیت در طول چند سال شرایط موجود را دگرگون می‌سازد.

در شق دوم، این دو عامل با همدیگر در تعادل نسبی به سر می‌برند. این تعادل از طریق عوامل طبیعی و اجتماعی مانند نسبت بالای مرگومیر بخصوص در میان مادران باردار و نوزادان و کودکان، طول عمر و امید زندگی کم و شیوع امراض همه‌گیر مانند وبا و تیفوس و مالاریا و غیره، عدم بهداشت و درمان، کم غذایی مزمن و گرسنگی‌های آشکار، نزاع‌های دسته جمعی، جنگ و تالان و تاراج منطق‌های قومی و طایف‌های، خروج جوانان برای بیگاری و انجام خدمات سربازی و غیره، کوچ‌های اجباری طایف‌های و آوارگی‌های ناشی از پدیده‌های طبیعی مانند سیل و زلزله و طوفان، در مقابل زایمان فراوان و بالا بودن میزان ناخالص ولادت کنترل می‌شود. تاریخ اخیر ایران نمونه‌های فراوانی از عملکرد کنترل‌های طبیعی را شاهد است. « بارها سفرکنندگان در فارس، مناطقی را یافته‌اند که بر اثر طاعون و تیفوس و سایر امراض ساری به کلی نابود شده و حتی از جمعیت هم در آن اثری نبوده است (ریچ، ۱۹۳۶، فصل ۲، که خود بر اثر یک چنین اپیدمی در شیراز مرده است. ۱۸۵۷، ص ۱۵۸ و ۱۸۰ + مونتیت، ص ۱۱۸ + سایکس، ۱۹۲۱، فصل ۲، ص ۵۱۵) جمعیت ایران روی هم رفته در سال ۱۲۲۹ (= ۱۸۵۰) تا ده میلیون نفر برآورد شده ولی در سال ۱۲۵۲ (= ۱۸۷۳)، پس از دو ویرانی ناشی از بلایای آسمانی، وبا و قحطی، به ۶ میلیون (کروزن، ۱۸۹۲، فصل ۲، ص ۴۹۲) رسید. در هر حال - همان گونه که شواهد تاریخی نشان می‌دهند - تعادل بین انسان و منابع در دوره‌هایی از زمان در جوامع سنتی برقرار می‌شود ولی در دراز مدت دوام نمی‌آورد و به نابرابری بین جمعیت و امکانات تولیدی منابع منجر می‌شود.

در حالت سوم، تعداد اعضای خانواده و اجتماع روستایی افزون‌تر از میزان مقدرات تولیدی است. دوره‌ای از صلح و امنیت پیش آمده و یا طبیعت و شرایط اجتماعی چند سالی به انسان

روستایی روی خوش نشان داده و با شیوه‌های نوین و مؤثر زندگی و درمان و بهداشت، کشف و بکار گرفته شده و در نتیجه مرگ و میر تقلیل یافته و به همین جهت تعداد جمعیت روستایی نسبت به منابع و مقدرات تولیدی افزون‌تر شده است.

با پیش آمدن این وضع، یعنی بروز عدم موازنه بین جمعیت خانواده ( واحد تولید و مصرف) و اجتماع روستایی ( واحد هم معیشتی با خصیصه تغییرات نازل داخلی و ارتباطات محدود خارجی) با ظرفیت محدود منابع تولیدی، چه اتفاقاتی ممکن است پیش آید؟

جمعیت، سال به سال، افزایش می‌یابد و از ظرفیت منابع درمی‌گذرد و در نتیجه مقداری از افراد خانواده و یا روستا به منابع تولیدی جذب نمی‌شوند و اضافه می‌مانند و یا به زبان رسمی‌تر، مقداری از جمعیت بیگار می‌مانند، ولی مانند شکل عمومی سنتی و یا در حال گذار روستایی، این بیگاری آشکار نمی‌شود و در اقتصاد یکپارچه خانواده و گروه‌های اجتماعی بالاتر پنهان می‌ماند.

اما این وضع تا چه زمان قابل دوام است؟

روز به روز جمعیت افزایش می‌یابد ولی تولید ثابت می‌ماند و یا به طور قلیل تغییر می‌یابد و عدم موازنه بین آن دو بیشتر می‌شود. حتی در موقعیت‌هایی به علت مزاحمت و تأثیر نامطلوب جمعیت افزوده ( افزایش رقابتهای خانوادگی و گروهی، بروز ناسازگاری و ایجاد چند مدیریت، گرسنگی و امراض مزمن ناشی از تقلیل سطح معیشت، محدودیت کارآیی سیستم مدیریت رو در رواز نظر کنترل سلولهای هسته‌ای در اندام خانواده گسترده و گروه‌های خویشاوندی و مشاع و مانند اینها) میزان بهره برداری از منابع تقلیل می‌یابد و در نتیجه خانواده و اجتماع سنتی روز به روز گرسنه‌تر و فقیرتر می‌شود و به زندگی معیشتی محدودتر می‌غلطد.

فرض کنیم این خانواده و یا گروه خویشاوندی در ده « الیف - اوغلو<sup>۵</sup> زندگی بکند. ممکن است قسمتی از این جمعیت افزوده تحت تأثیر کنترل‌های طبیعی مثلاً افزایش مرگ و میر تقلیل یابد و یا بوسیله نهاد‌های تعاونی خویشاوندی جذب شود، ولی اگر روند افزایش جمعیت باز هم ادامه یابد، جمعیت اضافه بر ظرفیت منابع ده الیف اوغلو، راهی جز ماندن در اقتصاد معیشتی و ادامه پیوند انگلی با اقتصاد توسعه نیافته جامعه سنتی در پیش رو نخواهد داشت، و چون ابزار ساده است و سطح اندیشه‌ها نیز پائین، از این رو جمعیت جدید قادر به بهره‌گیری از منابع تولیدی جدید و تغییر و اصلاح روشها و کیفیتهای تولید نخواهد شد<sup>۶</sup>.

مگر طرفداران « نظریه ساده انگارانه تفاوتها » اعتقاد ندارند که بیگاری و گرسنگی و عدم تولید، در هر شرایط زمانی و مکانی، عامل مهاجرت است؟ پس در منطقه مورد بحث نباید مشکلی پیش آمده باشد، بلکه کافی است تا جمعیت اضافی دست به مهاجرت بزنند و بار خود را از اقتصاد معیشتی محل کم کنند و بگذارند

زندگی سنتی آن ادامه یابد و با طبیعت قابل عمران بلا معارض را آباد سازند و بر ظرفیت تولید بیافزایند .

در سال ۱۳۲۵ اراضی بایر قابل عمران ایران ۲۰٪ کل اراضی کشور و حدود دو برابر اراضی دایر - زیرکشت و آیش - بود .<sup>۷</sup> بدیهی است این رقم پنجاه سال پیش از آن خیلی بیشتر بود ، حداقل به آن سبب که در مقایسه با امروز ابزارهای تولید روستائی ساده و ناکارآمد بودند و جمعیتی که آن روزگاران در روستاها ساکن بودند ، به مراتب کمتر بود . و در حال به نسبت امکانات قلیل آن روز امکان گسترش مناطق کشت و توسعه فضای تولیدی فراهم بود .

اما هیچ کدام از این اتفاقات به وقوع نمی پیوندد ، نه مهاجرت صورت می گیرد تا الیف اوغلو از خفقان جمعیتی نجات یابد و نه توسعه ظرفیتها مورد توجه و استفاده قرار می گیرد تا نارسائی تولید ترمیم گردد ، چرا که انسان اجتماع سنتی به جهت محدودیت مادی و معنوی قادر به بسط حوزه تسلط خود در طبیعت و غلبه بر آن نیست و برای هر تغییر کوچک ، زمانی طولانی لازم است و این نیمه ایستائی از خصوصیات جامعه سنتی است . در این جوامع ، نظارت اجتماعی بر مکان زیست انسان حاکم است و جامعه ، ترک محل و خانواده و طایفه را امری مصیبت بار تلقی می کند و از طریق نهادها و الگوهای فرهنگی و سازمانهای خویشاوندی و فشار عرف و عادت و سنت ، از حرکات انسان جلوگیری می کند و در این راه به مجازاتهای اجتماعی متوسل می شود و مهاجرین را از اجتماع خویشاوندی و خانوادگی طرد می کند . به همین علل ، انسان فرهنگی این دوره ، زندگی در محل آبا و اجدادی خود را سرنوشتی محتوم تلقی می کند و به روالی و طریقی پیش از آنچه عرف و عادت مجاز می داند ، نمی اندیشد . یک ضرب المثل قدیمی ترکی این ارزش را چنین منعکس می کند : « آن گونه که در خانقاه ماندگاری ، در روستایت نیز چنین باش <sup>۸</sup> . . . »

بررسیهای به عمل آمده نشان می دهد که این نظارت بسیار شدید است و انسان گرسنه و فقیر ، مانده در طلسم اندیشه های دیرین ، مهاجرت را امری غیر متعارف و برخلاف اخلاق اجتماعی فرض می کند و اصولاً " جدا شدن از پیکره اجتماع طایفه ای - نه کوچ <sup>۹</sup> - برای آنان مطرح نیست <sup>۱۰</sup> .

بررسیهای به عمل آمده در مناطق و سرزمینهای مشابه نشان می دهند که در همه این گونه جوامع ، آن انسان گرسنه و محکوم حتی برای امرار معیشت و تأمین نان بخور و نمیر ، قادر به انتقال مکان زندگی به مناطق جغرافیائی و جوامع پر نعمت مجاور نیز نیست ، چرا که فقر امری همه جانبه است . انسان سنتی ، انسان فاقد تحرک و تغییر ، انسان معتقد به سرنوشت محتوم طبیعی و اجتماعی ، انسان فاقد اراده برای تغییر طبیعت و محیط و جامعه ، در واقع از تغییر مکان سکونت و مهاجرت نیز ناتوان است .

اما ذکر این خلاصه از خصوصیات جوامع سنتی به این مفهوم نیست که در آنها اصلاً و ابداً " مهاجرت وجود ندارد ، همان گونه که نمی توان ادعا نمود که تغییر اجتماعی در این گونه جوامع بوجود نمی آید ، بلکه اعضای خانواده های ده الیف اوغلو در موقعیتهای خاص - این بار با تسهیلاتی که عرف و عادت و ناظران اجتماعی فراهم می آورند - دست به مهاجرت می زنند و روستائی خود را ترک می کنند ، و آن هنگامی است که ادامه روند عدم موازنه بین جمعیت و منابع ، موجودیت خانواده ها و اجتماع روستائی را به مخاطره می افکند و بیگاران پنهانی و فعلی در پشت دیوارهای اقتصاد یکپارچه خانوادگی و جماعتی قادر به تأمین گذران معیشتی توأم با فقر نیز نمی شوند . وقتی گرسنگی عمیق تر ، شایع تر و موثرتر شد و عوامل کنترل کننده سنتی قادر به تقلیل جمعیت و برقراری موازنه نشدند ، میان فرد و خانواده ، فرد و گروه خویشاوندی ، برخی از افراد مازاد مقدورات فدا می شوند . در واقع در شرایط ضروری و به وقتی که بود و نبود اجتماع قومی و خویشاوندی و روستائی مطرح می شود ، انتخاب جمع و جامعه و فدا کردن فرد برای حفظ حیات و تداوم بقای آن طبیعی جوامع سنتی است . در نتیجه تعدادی از جمعیت مازاد - و نه همه آنان - به خارج از خانواده و روستا رانده می شوند ، ولی باقی اعضای افزوده - تا حد اکثری که خانواده و محیط سنتی با تحمل محرومیتها قادر به پذیرش آنهاست - کماکان در اقتصاد یکپارچه آن ، پنهان می شوند و بدین سان جریان آرام مهاجرت در این دوره و در مقاطع زمانی مختلف از مناطق روستائی ادامه می یابد . عموماً " ادامه " این روند با افزایش جمعیت کشور به طور موازی پیش می رود ، چرا که هر چه جمعیت کشور افزوده می شود عدم موازنه بین جمعیت و منابع - با تفاوتهایی در مناطق مختلف کشور - افزون تر می شود و جریان مهاجرت تسریع می گردد . این شکل از مهاجرت ، خاص جوامع سنتی است و در کشورهای مختلف با اشکال مشابه ملاحظه شده و می شود . مطالعات انجام یافته در مناطق کم رشد برزیل <sup>۱۱</sup> ، ایتالیا <sup>۱۲</sup> ، دامنه های سلسله جبال آند در کشور کلمبیا و همسایگان <sup>۱۳</sup> آن ، ترکیه <sup>۱۴</sup> و ایران <sup>۱۵</sup> وجود چنین شکلی از مهاجرت را تأیید می کنند .

به این بخش از مهاجرتها ، فرارهای دسته جمعی از مناطق قحطی زده ، سیل و یا زلزله زده و ناامن و جنگ زده و آلوده به امراض مسری را باید افزود . این نوع تخلیه جمعیتی موقت است و تابع نظم مستمری نمی باشد و پس از رفع آنها قسمتی از جمعیت تخلیه شده مجدداً " به زادگاه خود باز می گردند و فقط نسبتی از آنان - و در جامعه سنتی به علت عدم جذب آنها در مناطق دیگر و وابستگی آنان به محل سکونت خود ، نسبت کمی از آنان - جزو مهاجرین به حساب می آیند . شواهد تاریخی بر آنند که " فقر و بی حقوقی وحشتناک دهقانان و خودسری ملاکان و دستگاه دولت ، به بی خانمانی دهقانان یاری داده و آنان را وا می داشت تا در بیرون

از دهگده برای خود به جستجوی کار برآیند. افزایش مهاجرت از روستاهای ایران، هم به درون کشور و هم به خارج از آن، پیامد همین روند بوده است... کرمانی خبر می‌دهد که هر سال هزاران تن ایران را ترک کرده و راهی کشورهای دیگر می‌شوند<sup>۱۶</sup>، ولی چون در این مرحله از زمان، اربابان و مالکان اراضی قادر به استفاده از ماشین آلات کشاورزی نبودند و در واقع، زمین زراعی فقط با وجود نیروی کار کشاورزان دارای ارزش بود، این اخراجها قلیل بوده و در شرایطی بوسيله خود آنان کنترل می‌شد و کشاورزان کنده شده از روستاها را به اراضی و املاک و باغات و روستاهای دیگر خود منتقل می‌کردند. بدین سبب هاست که می‌توان گفت در این دوره مهاجرت عبارت از جریان آرام انتقال روستائیان مازاد بر ظرفیت منابع تولیدی به شهرها است و رشد آن با افزایش یا کاهش جمعیت کشور به طور موازی افزایش یا کاهش می‌یابد.

این نوع مهاجرت، که آن را مهاجرت نوع اول نام می‌گذاریم، قبلاً بوسیله پژوهشگران اجتماعی تحت عناوین مختلف نام برده شده است<sup>۱۷</sup>. ما از میان این عناوین «مهاجرت به علل رکودی» را، به جهت آنکه موقعیت ویژه و زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مهاجرت را بیان می‌کند، انتخاب می‌کنیم و بعد از این مهاجرت نوع اول را مهاجرت به علل رکودی می‌خوانیم. اما ببینیم مقصد مهاجرین رانده شده از روستاهای ایران (مهاجرین به علل رکودی) در این دوره کجا بوده است؟

تعقیب مهاجرت به علل رکودی از اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ را سودمندتر می‌دانیم، چرا که از این دوره به بعد نظام یکجانشینی ایران در نهائی‌ترین شکل خود به واقعیتی مستمر تبدیل شده و در برابر کوچ نشینی و زندگی ایلپاتی وجهی غالب به خود می‌گیرد و از تخریب آنان در امان می‌ماند. در عین حال در نیمه دوم قرن ۱۳ «تقسیم دوباره» زمین در ایران انجام گرفت، در بسیاری از بخشها مالکیت خرده دهقانی از بین رفت و زمینها در دست خاندانهای بزرگ متمرکز شد<sup>۱۸</sup>. این وضع جدید باعث انتقال بیشتر محصولات روستائی به شهرها و در نتیجه تمرکز ثروت و جمعیت آنها و فقر بیشتر روستائیان گردید و چهره مشخص شهرهای امروزی ظاهر شد و جریان مهاجرت به علل رکودی به سبب این تغییرات و به هم خوردن موازنهها، همراه با افزایش جمعیت کشور وضعی صریح به خود گرفت.

بنا به برآوردهای مختلف، جمعیت کشور در نیمه دوم قرن ۱۳ حدوداً بین ۷/۶ تا ده میلیون نفر در نوسان بوده و با تخمین زده شده است (صنایع الدوله + ژنرال شیندلر + سیدمحمدعلی - جمالزاده + کرزون + زولوتارو + سوپوت سینیسکی + مدودو) و از ربع چهارم قرن مذکور روند رو به رشدی را طی کرده است به نحوی که هم بر جمعیت کشور افزوده شده و هم نسبت رشد جمعیت سیر صعودی پیموده و در آغاز قرن حاضر (ه.ش.۰) به ۱۰ - ۹ میلیون

نفر رسیده است. در آغاز این قرن حدود ۵۰٪ جمعیت کشور ساکن روستاها بود (صنایع الدوله + ژنرال شیندلر + سیدمحمدعلی جمالزاده) و حدود ۲۵٪ از این جمعیت در شهرها و ۲۵٪ باقیمانده به صورت عشایری و کوچ نشینی زندگی می‌کردند<sup>۱۹</sup>. رشد جمعیت در کشور و منجمه روستاها، آغاز کشت‌های صادراتی مانند پنبه و تریاک در مناطق مختلف کشور و بروز اتحادیهها و ایلخانی‌های عشایری زمین‌داری در مناطق مختلف کشاورزی بر عدم موازنه بین منابع و جمعیت مناطق روستائی افزود و از آن پس افزایش آرام و بی‌شتاب مهاجرت به علل رکودی را سبب شد.

از سوی دیگر، در این دوره، عملکرد استعمار (روس و انگلیس) در ایران، به علل تشکل مناطق سرمایه‌داری، بازرگانی و تولیدی و تغییرات جدید سیاسی در سطح جهان، گسترش یافت و به سبب مداخلات نظامی - سیاسی و بازرگانی آنان در ایران تغییراتی در بخش کشاورزی و محصولات آن بوجود آمد و بر حجم واردات محصولات کشورهای استعماری افزوده شد. «روی هم رفته، صنایع ایران در نیمه دوم سده سیزدهم (پایان سده نوزدهم - آغاز سده بیستم) رشدی سست داشت و از چهارچوب تولید ساده کالائی فراتر نرفته بود. سرمایه بیگانه پس از رخنه به کشور، به رشد آن رشته‌های اقتصاد ملی که ذینفع بود یاری کرد و در همان هنگام آن رشته‌هایی را که رشدشان با مصالح سرمایه بیگانه همخوان نبود محدود کرد<sup>۲۰</sup>». در این دوره سرمایه‌داران انگلیسی تریاک، قالی، غله، توتون، پنبه، پشم، چرم، میوه و سایر کالاهای کشاورزی دیگر از ایران می‌بردند و در مقابل، پارچه پشمی، ابریشمی و مخملی، اسلحه، جای، شیشه، چینی و غیره به ایران می‌دادند. مهم‌ترین کالای وارداتی از روسیه قند، و مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به آن کشور پنبه بود<sup>۲۱</sup>.

بدین ترتیب، شهرها از طریق مبادله محصولات کشاورزی، حقوق واسطه‌گری بین روستاها و خارج از کشور را نیز تصاحب کردند و همراه با دریافت مالیات، بخششها و بهره مالکانه، به بهای فقر و درماندگی روستائیان به ثروت و سرمایه دست یافتند و با انباشت آنها، شهر تهران و شهرهای مناطق پرجمعیت کشاورزی شروع به رشد کردند. «در این دوره رشد شهرها و افزایش جمعیت آنها به چشم می‌خورد و به همین سبب، دهقانان رانده شده از روستا و دهقانان بی‌زمین راهی شهرها شدند و برای یافتن مزد به دیگر ولایات و یا به کشورهای همسایه روان شدند<sup>۲۲</sup>».

از آن به بعد، استعمار و عملکردهای آن به عنصر تعیین کننده اوضاع اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی - سیاسی و عمرانی - برنامه ریزی کشور تبدیل گردید و به تبع آن، با گذشت زمان برنامه‌های آمایشی - جمعیتی و مهاجرت از روستاها به شهرها، بیش از پیش از عوامل خارجی اثر پذیرفت.

این تغییر در مناسبات شهر و روستا، مالک و زارع و صادرات و

واردات باعث تغییراتی در توازن نسبتاً ثابت و سنتی شهری و روستایی شد. «توازن» که البته از رنجهای انسانی و به عبارت دیگر از لحاظ قحطی‌های ادواری و شیوع امراض، بسیار گران و سنگین بود<sup>۲۳</sup>. اما می‌دانیم که یک شکل زندگی و یک صورت تکامل اجتماعی، همان گونه که در شئون مختلف یک جامعه با هماهنگی‌های نسبی منتشر می‌شود، در مناطق جغرافیایی مانند شهر و روستا نیز به طور موازی ظاهر می‌گردد. فقط در این جریان، شهرها ظرفیتهای تغییر بیشتری از خود بروز می‌دهند و بیش از روستاها از عناصر تغییر سود می‌جویند. بنابراین وقتی در روستاهای کشور شکل سنتی غالب است، شهرهای وابسته<sup>۲۴</sup> به آنها نیز از محدودیتهای سنتی رنج می‌برند. از این نظر یا همه تغییراتی که در برخی از شهرهای ایران آغاز شده بود و گروههای جدید اجتماعی مانند صنعتگران، کارگران، پیشه‌وران، بازرگانان، تحصیل‌کردگان و امثال آنها در این شهرها به واقعیتی مؤثر تبدیل شده بودند، اکثر آنان در رابطه با محصولات و خدمات مناطق روستایی مشغول بودند و حتی در رابطه با خارج نیز، محصولات روستایی، واسطه عمده محسوب می‌شد.

بنابراین، در این دوره، مهاجرتی که به علل رکودی و در نتیجه به طور محدود و مستمر از روستاها و بخش کشاورزی ایران به اجبار رانده می‌شدند، در شهر تهران و شهرهای داخلی ایران جایی برای اشتغال نمی‌یافتند، جز آنکه به کارهای سرپائی و خدمات خانگی مشغول گردیدند. کارهایی مانند نوکری و کلفتی در خانه‌ها، کارگری فصلی و یا باغبانی و سرایداری در باغات داخل

و حاشیه شهرها، حملی، پادویی، شاگردی در مغازه و کارگاه و یا شاگرد داروغه و امربری و غیره در دستگاه اداری و انتظامی اشراف و خواجین و مانند اینها قسمتی از جمعیت مهاجر ایران را جذب می‌کردند. مناطق کشتیای کاربر و وسیع اربابی نیز کشاورزان رانده شده را در ابعاد محدود طلب می‌نمودند. واگذاری اراضی و نسق‌های جدید زراعی و یا نصف‌کاری به فرزندان کشاورزان، که نیروی شخم داشتند و انجام کارهای کارگری کشاورزی و خدمات خوش‌نشینی شهری و روستایی نیز در این ردیف بودند، اما بقیه مهاجرین راهی نداشتند جز اینکه برای ادامه زندگی و گذران خود، در مراحل بعدی مهاجرتشان، جهت انجام کار عازم شهرهای خارج از کشور گردند - که دوره آغازین صنعتی - بازرگانی خود را می‌گذراندند - و یا اینکه با قرار گرفتن بجای مهاجرین سابق و شهرنشینان فقیر، آنان را راهی کشورهای دیگر سازند. در نتیجه، شهرهای کشورهای مجاور ایران مانند استانبول، ارضوم، باکو، تفلیس و مانند اینها، بخشی از مهاجرین به علل رکودی ایران را جذب می‌کردند و در واقع، مهاجرت به خارج از کشور ادامه منطقی مهاجرت از روستاها به شهرها و عدم توانایی جذب مهاجرین از سوی شهرهای داخل بود.

بدین ترتیب، مهاجرت به علل رکودی چندین دهه همراه با افزایش جمعیت به رشد خود ادامه داد و غلبه خود را بر انواع مهاجرت‌های دیگر - که بعداً مورد بحث قرار خواهند گرفت - حفظ کرد. به برخی از ویژگیهای این نوع مهاجرت ذیلاً اشاره می‌شود و به عملکرد (تأثیر) آن در شهر و روستا، چگونگی ادامه روند آن



در شرایط حاضر و راهها و ضرورت‌های کنترل آن در بخشهای مربوط اشاره خواهد شد :

۱- تعداد مهاجرین به نسبت جمعیت روستائی قلیل است .  
۲- میزان رشد آن با « درصد رشد جمعیت منطقه‌ای که دچار رکود است به طور موازی پیش می‌رود ۲۵ » .

۳- مهاجرت از روستاها تابع عدم موازنه بین تعداد جمعیت و ظرفیت منابع است و از آن نظر با تراکم جمعیت روستائی و وسعت فضای حیاتی آنان در ارتباط است .

۴- مهاجرت از روستاها باعث تخلیه، تعدادی اندک از جمعیت افزون روستائی می‌شود ، بنابراین نه تنها باعث تقلیل جمعیت این مناطق نمی‌گردد ، بلکه در عین حال ، جمعیت روستائی افزایش نیز می‌یابد ولی تعداد خانوارها ( خانواده‌های گسترده ) تغییر عمده نمی‌کند .

۵- مهاجرین روستائی به علل رکودی در افزایش جمعیت شهرها ، نقش مهم به عهده ندارند .

۶- این نوع مهاجرت در صورت وجود شرایط رکودی در کشور در شهر و روستا به ایجاد موازنه‌های اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند ولی در شهرهای در حال تغییر به بروز دوگانگی‌های اقتصادی و فرهنگی منجر می‌گردد که در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت .

۷- این نوع مهاجرت هنوز هم در مناطق رکودی کشور جریان دارد و شناخت کیفیت و دوره آن می‌تواند در تعیین زمان آغاز مهاجرت به اشکال نوین موثر واقع شود .

### شکل ارتباط ایلات و عشایر با مهاجرت به علل رکودی

« از مقایسه جمیع اطلاعات و ارقام ، می‌توان نتیجه گرفت که در آغاز ربع چهارم قرن ۱۳ ، جمعیت کوچ نشین ایران حدود ۳۰-۲۵ درصد از جمعیت ۱۰-۹ میلیونی کشور بود . این نسبت از آن تاریخ با نوساناتی در حال کاهش و افزایش بوده و به هر حال از سال ۱۳۰۰ به بعد در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و پس از آن ، به علل مختلف ، روند فروپاشی زندگی ایلی و عشایری تندتر شده و نسبت تعداد آنان به جمعیت کل کشور سال به سال تقلیل یافته است ۲۶ » .

زندگی شبانکاره و کوچ نشین به سبب ویژگیهایی که دارد ، نیازمند حمایت از طریق تولیدات فرعی مانند کشت و زرع ، ریسندگی و بافندگی ( صنایع وابسته به دام ) ، میوه چینی و گردآوری دانه و حتی شکار و صید است و در عین حال ، غارت و تاراج ، یا به مفهوم بهتر ، تصرف محصولات مناطق یکجانشین و انتقال آن به مناطق کوچ نشین از تلاشهای مستمر عشایر برای نیل به موازنه‌هایی است که کوچ نشینی به عنوان « مهم‌ترین شیوه » تطبیق تولید شبانی با طبیعت و مرتع « قادر به حفظ مستمر آن نیست . از این

نظر عشایر ایران ، تا زمانی که قادر بودند به تصرف محصولات مناطق یکجانشین ( شهر و روستا ) موفق گردند و بر تصرف اراضی و مراتع بپردازند ، جمعیت مازاد بر منابع نداشتند و در مهاجرت به علل رکودی هم شرکت نمی‌کردند ، ولی زمانی که راه تولیدات فرعی بسته و یا محدود می‌شد و تاکتیک‌های سنتی مانند تفکیک اردو ( مال یا اوبه ) و تجمع و تفرق فصلی ، برقراری روابط مبادله جنس به جنس با روستائیان سرزمینهای حاشیه‌ای و مانند آن بی‌اثر می‌ماندند ، جمعیت افزون بر ظرفیت آنها ، که رشد آن همیشه بیش از جمعیت روستاها بوده از زندگی کوچ نشینی دست می‌کشیدند و به مناطق یکجانشین سرازیر می‌شدند و پس از یکجانشینی و گذراندن دوره استحال در فرهنگ روستائی ، در تبعیت از نظمی که برای روستائیان بیان شد ، به جریان مهاجرت می‌پیوستند و یا مستقیماً از مناطق کوچ به شهرهای عشایری منتقل می‌شدند و در هر حال به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر حجم مهاجرین به علل رکودی می‌افزودند ، و از این طریق ، این بار بجای پیوند زدن اقتصاد مناطق یکجانشین به خویش ، خود را به اقتصاد مناطق یکجانشین ملحق می‌کردند . عموماً " واسطه " یکجانشینی اینان ، در سطح خانواده‌ها ، زندگی « در انتظار کوچ » در بیلاق و یا قشلاق و در سطح خویشاوندی ، اسکان زنجیره ، به هم بافته اولاد و تیره و طایفه بود . به خاطر این همبستگی خویشاوندی و بهره‌مندی از اراضی و مراتع جماعتی و تبعیت از ساختار ایلی ، اسکان و مهاجرت آنان از روستا به شهر محدود به سرزمین ایلی و تابع نظم معینی بود که در رابطه با وضع اقتصادی ، روابط خویشاوندی و خط مشی رهبری طایفه‌ای و ایلی تعیین می‌شد .

گروه کوچکی از آنان نیز ، مانند قشرهای فوقانی روستاها ، فارغ از تأثیر این موازنه‌ها ، به علت به دست گرفتن مقدرات تولید عشایری و بهره‌کشی از دیگران و انباشت ثروت از این طریق ، به دنبال انتقال مازاد ثروت خود به شهر و روستا ، به یکجانشینی روی می‌آوردند و یا زندگی دوگانه کوچ نشینی - یکجانشینی را توأماً برقرار می‌ساختند .

### یادداشت‌ها و مآخذ

۳ شماره ، مطلب فوق مربوط به یادداشتها و مآخذ قسمت اول مقاله می‌باشد که در شماره ۸ به چاپ رسیده است .

۱- گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای زیر نظر میشل روشفور ، سازمان یابی فضا در کشورهای تحت سلطه و نقش فعالیت‌های بخش سوم ، برگردان حسامیان ، شماره ۴ ، تهران ، ص ۹۷ .

گنجینه و مرکز اطلاع رسانی  
بنیاد و ایرة المعارف اسلامی

- ۲- پل متیک، گوناوار میردال بر سر دو راهی، جامعه شناسی فقر، ترجمه کریمی، چاپخانه سپهر، ۱۳۵۶، چاپ دوم، ص. ۲۹۷-۲۹۶.
- ۳- مانوئل کاستل؛ شهرنشینی وابسته در آمریکای لاتین، ترجمه مخبری، ۱۳۵۸، ص. ۱۰۸.

\*\*\*\*\*

(این کلمه نسبی است و در موقعیتهای مختلف یک جامعه، در مقایسه با وضعیت جدید و برای بیان وضع سابق به کار می‌رود. امروز عموماً "جامعه سنتی در مقابل جامعه صنعتی و مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در عین حال کلمات نیمه ایستا در برابر پویا، اقتصاد کشاورزی در مقابل اقتصاد صنعتی - خدماتی، شرایط رگودی در برابر مراحل رشد و توسعه، اقتصاد معیشتی و یا جامعه خود مصرف در برابر اقتصاد گالائی و جامعه مصرفی و حتی پیش سرمایه‌داری و زمین‌داری نیز با این مفهوم هم زمین‌بند.

این کلمه در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی یا تعبیر مختلف به کار می‌رود. اقتصاددانان برای تبیین آن ملاکهای اقتصادی را کافی می‌دانند. به طور مثال آواکف جوامع را به سنتی، در حال گذر و توسعه یافته تقسیم می‌کند و درآمدهای سرانه ۲۵۰ - ۲۰۰ دلار، ۵۰۰ - ۲۵۰ دلار، ۲۰۰۰ - ۵۰۰ دلار را شاخص این سه دوره می‌شناسد. (راچیک آواکف، مطالعات شهری و منطقه‌ای شماره ۳، ترجمه رجیبیان، ص. ۳۶).

جامعه‌شناسان آن را وضعیتی نه تنها اقتصادی بلکه موقعیتی عام در همه زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. برای جلوگیری از این پراکندگیها و پرهیز از بحثهای نظری، در این مقال جامعه سنتی یا ویژگیهایی که مورد نظر است، توضیح داده شده و به عنوان بیان موقعیتی ویژه از یک وضع معین اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در نزدیک‌ترین موقع به زمان حاضر به کار گرفته شده است.

۲- ساخت عبارت است از روابط و انگاره‌های اجتماعی نسبتاً با دوام (نظریه‌های جامعه‌شناسی، حسین ادیبی و عبدالعمود - انصاری، انتشارات جامعه، ۱۳۵۸، ص. ۶۳) "فهر سازمان اجتماعی دو وجه اصلی دارد: ساخت و عملکرد. وضع ناشی از روابط نسبتاً پایداری که میان اجزای سازمان برقرارند، ساخت سازمان است (زمینه جامعه‌شناسی، تألیف آگ برن و نیم‌کوف، اقتباس از ج. آریان پور، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۷، ص. ۳۲۹) با آنکه عوامل فنی و مادی که "سازمانها" را از "نظامهای روابط" ساده متمایز می‌سازند نسبت به الگوهای ساختی، ثانوی هستند. (جامعه‌شناسی سیاسی، مورس دو ورژ، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات جاویدان، سال ۱۳۵۸، ص. ۹۱)

در عین حال عوامل مادی و فنی نیز جزو نظام ساختاری هر جامعه به حساب می‌آیند و برخلاف بانیان مکتب فونکسونالیسم ساختی از دورکنم و براون تا تالکوت پارسنز، در واقع هر ساخت مجموعه‌ای از روابط و عناصر یکپارچه و در حال تکوین است فقط این تغییرات در جوامع سنتی اندک و بطئی است.

۳- فعالیت تولیدی در روستا و گستره زراعت ایجاب می‌کند که در مناطق زراعی، خانواده گسترده به مهمترین شکل خانواده‌ها تبدیل گردد. تأثیر و نحوه تولیدات شبانی در مناطق عشایری و زندگی در شهرها باعث شده تا در این دو جامعه (عشایری، شهری) خانواده هسته‌ای بر سایر اشکال آن غالب باشد. در عین حال این مفهوم به سبب ناهمسانی نوع فعالیت تولیدی و چگونگی تلاش معموله برای تأمین زندگی در این دو جامعه متفاوت است. با آنکه در این مورد تحقیقات موردی معین انجام نگرفته ولی فرض بر این است که مهمترین شکل خانواده‌های روستاهای ایران نیز به طور سنتی گسترده بوده و در حال حاضر، از گسترده به هسته‌ای، دوره گذار خود را طی می‌نمایند. بدیهی است در این مرحله نیز خانواده هسته‌ای مناطق زراعی با خانواده هسته‌ای شهری متفاوت می‌باشد. عموماً "در روستاها مدت‌ها پس از تجزیه خانواده اولیه، همه آنها در پیرامون اقتصاد یکپارچه و جمعی تجمع می‌کنند و در حالی که از نظر اجتماعی از هم جدا شده‌اند از نظر اقتصادی و یا پیوندهای فرهنگی به هم پیوسته می‌مانند و حتی پس از نیل به استقلال اقتصادی در شبکه خویشاوندی، این پیوستگی را به نحوی حفظ می‌کنند. به جهت وجود شرایط دوره گذار در روستاها، گاهی اقتصاد خانواده‌های هسته‌ای از یک اقتصاد اختصاصی متعلق به خود همراه با یک اقتصاد جمعی متعلق به مجموعه هسته‌های پیوسته تشکیل می‌شود و در طول زمان، اقتصاد اختصاصی به اقتصاد جمعی غلبه کرده و خانواده‌های هسته‌ای شکل مستقل به خود می‌گیرند.

۴- از اواخر قرن ۱۳ ه. ش. تا قبل از تقسیم اراضی. علل انتخاب این آغاز، در متن مقاله شرح داده شده است.

۵- به تفاوت اساسی بین واحدهای اقتصادی معیشتی یا خود-بسنده و خودکفا توجه شود.

۶- فردریک بارث، مونوگرافی ایل باصری، کاظم ودیعی، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ص. ۱۹۷-۱۹۶.

7- Cahit Tanyol; Elifoglu Koyunde, Sosyoloji Dergisi, Sayı 17.18, Ist. Uni. Ed. Fa. yay. 1977.

الیف اوغلو یکی از روستاهای ترکیه است که بوسیله نامبرده، دو بار به فاصله ۱۵ سال مورد بررسی قرار گرفته و در این فاصله تغییرات حاصله و از آن طریق، تحولات جمعیتی و منجمله مهاجرت

۱۸- ن. ک. بلودا، درباره مهاجرت از شمال باختری ایران در پایان سده نوزده و آغاز سده بیست، ناظم الاسلام کرمانی؛ تاریخ بیداری ایرانیان، به نقل از: لودمیلا گولاگینا؛ استیلائی امیرالیسم در ایران، سیروس ایزدی، انتشارات علم، ۱۳۵۹، ص. ۶۱ و ۶۰.

۱۹- پل سینجر، اقتصاد سیاسی شهرنشینی، پیشین: مهاجرت به علل رکودی + گونار میردال، پیشین: مهاجرت به علل پس - رونده =

*Regressivos ( Back Wash effects )*.

۲۰- گولاگینا، پیشین، ص. ۶۰.

۲۱- پیش بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستایی ایران تا سال ۱۳۷۰، مرکز آمار ایران، ۱۳۵۲ + صنایع الدوله، سالنامه ایران، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۰ + تاریخ نوین ایران، م. س. ایوانف + مجلات مجموعه ناصری، ۸ مجلد خطی موجود در کتابخانه تهران + مجموعه ایرانشهر، جلد اول، انجمن ملی یونسکو در ایران، چاپ تهران، ۱۳۴۲ + ایلات و عشایر، مجموعه کتاب آگاه، ۱۳۶۲، ص. ۱۵.

۲۲- گولاگینا، پیشین، ص. ۵۵.

۲۳- پیشین، ص. (۵ و ۴۸).

۲۴- پیشین، ص. ۷۰.

۲۵- پل بروک، جهان سوم در بن بست، امیرحسین جهان بیگلو، انتشارات شرکت سهامی خوارزمی، ۱۳۵۵، ص. ۳۲.

۲۶- مراد از شهرهای وابسته به روستاها، تفکیک شهرهای معدنی، صنعتی و یا بازرگانی از آنهاست که در رابطه با منابع و اقتصاد غیر روستایی بوجود آمده و رشد می کنند و دوام آنها بسته به جذب ثروت از روستاها و مناطق پیرامون نیست.

۲۷- پل سینجر، بررسی و شناخت نظری مهاجرت های داخلی، ترجمه کاظمی بیدهدنی، ص. ۴۲.

۲۸- رضا آیرملو، مردم شناسی با تکیه بر ایلات و عشایر ایران، پلی کی، قسمت دوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، گروه علوم اجتماعی، ص. ۲۲۵.

به مقایسه و تجزیه و تحلیل کشیده شده است. از آن نظر که از نتایج حاصل از این تحقیقات در این بخش مکرر یاد خواهیم کرد و در همین حال، نظمی که از این مقایسه عاید شده است، صرف نظر از ویژگیهای ملی، در مراحل یا شرایط مهاجرتی روستاهای ایران دارای همانندیهای بسیار است، این نام را برای روستای نمونه مان برگزیدیم. به خاطر این همانندیها، به کار بردن این نام در دو کشور همسایه، ایران و ترکیه، و حتی به کار گرفتن نتایج حاصل از مطالعات انجام یافته در کشورهای آمریکای جنوبی نباید موجب شگفتی خواننده شود.

۸- برخی متخصصین به تبعیت از نظر اولیه دورکیم می نویسند: افزایش تعداد افراد در عین ثابت بودن فضای شان (افزایش تراکم) سبب بروز افتراقها و تخصص ها می گردد، زیرا تنها بدین طریق است که یک سطح محدود می تواند افراد بیشتری را در خود بپذیرد (به نقل از لوتیز ویرث، شهرگرایی شیوه های از زندگی، برگردان حسامیان، مطالعات شهری و منطقه ای ۵، ۱۳۵۸، تهران، ص. ۵۲-۵۱) اما در عین حال که این نظر در شهرهای پرجمعیت کشورهای جهان سوم به تجربه تأیید نمی شود، حداقل باید پذیرفت که چنین پیش بینی ها در مناطق روستایی - سنتی امکان بروز نمی یابد و جمعیت افزوده و تراکم آن (نسبت به منابع) در زمان معمول (کوتاه زمان) باعث بهبود شیوه های تولید نمی شود.

۹- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۴۶، تهران، ۱۳۴۸. 10- *Evli evinde, Koylu Koyunde, gerek.*

۱۱- یادآوری می شود که برخی از جابجائی های جمعیتی، بخصوص تغییر مکان جمعی کوچ نشینان با تولید شبانی (کوچ) - که به ویژه در ادوار مختلف تاریخ ایران نمونه های فراوان دارد - خود قراردادی سنتی و تابع بروز عدم موازنه های طبیعی (جمعیت و منابع) و اجتماعی (بروز اشرافیت اتحادیه های ایلی) بوده است و تغییر ارادی مکان زندگی (مهاجرت) تلقی نمی شود. 12- Cahit Tanyol; Ibid, S.21.

۱۳- پل سینجر، اقتصاد سیاسی شهرنشینی، ترجمه کاظمی بیدهدنی و حسامیان، مطالعات شهری و منطقه ای ۲، نشر ایران، ۱۳۵۸، تهران، ص. ۴۷.

۱۴- گونار میردال به نقل از پل سینجر، پیشین، ص. ۴۷.

15- *T. Lynn Smith; Why the cities?*

*Observation on urbanization in Latin America, New York, 1964.*

16- Cahit Tanyol; Ibid + Cavit qorhan Tutengil; Kirsal Turkiye nin Yapisi ve Sorunlar, Gerçek yay. 1977.

17- Reza Ayrumlu; Iran'da Koyden Sehre go-e Olgusu, Ist. Uni. Ed. Fa. Sosyoloji Bolumu, 1980.

